



سوغاتِ زندگیِ غربی

امروزه مباحثِ خانوادگی، جزءِ مهمترین مسائل انسان ها قرار گرفته است. می بینید، افرادی را که کارهای فرهنگی انجام می دادند و انسان های مقیدی بودند، اما بعد از ازدواج، عوض شدند و تغییر کردند. یا بعضی که مشکلاتِ خانوادگی دارند، دیگر حوصله ی انجامِ کارِ فرهنگی را ندارند. حوصله ی طلبگی بودن را ندارند. اگر بخواهیم، تبلیغِ درستی داشته باشیم و کارِ درستی انجام بدهیم، باید مشکلاتِ خانوادگی را به حداقل برسانیم. یکی از مسائلی که زندگی را شیرین می کند، بحثِ تشکر کردن است. فرهنگِ تشکر باید در جامعه و بینِ مردم، نهادینه شود. گاهی اوقات، انسان می بیند، مردم کم تشکر می کنند. وقتی که می گوئیم: چرا تشکر نمی کنید؟ می گوید: وظیفه اش است. این جمله، سوغاتِ زندگیِ غربی است. سوغاتِ زندگیِ ماشینی است. زندگی های ماشینی اینگونه است که هر کسی کارِ خودش را انجام می دهد. مثلاً چرا پشتِ چراغِ خطر می ایستی؟ زیرا، چراغِ قرمز است یا چرا دزدی نمی کنی؟ چون، از ما دزدی نکنند. پس اگر روزی، قرار شد، از ما دزدی نکنند، آیا ما دزدی می کنیم؟! مثلِ حرفِ آن روانشناسِ معروف که می گفت: گاوِ مردم را ندزد، تا گاوِ تو را ندزدند. پس ایثار در زندگی چه می شود؟ هرکسی، کار و قانونِ خودش؟ در این قانون که تشکر،

بی توقع و با تعهد

از همسرمان هم باید تشکر کنیم. دُرُست است که ما از صبح رفته ایم بیرون و کار کرده ایم و همسرمان هم، غذایی پخته است، اما، وظیفه ی خانم، آشپزی نیست. وظیفه خانم در زندگی، تنها دو چیز است: ۱- شیر دادنِ بچه، آن هم تا دفعه ی اول تا نهایتاً دفعه ی ۷، ۸ یا ۱۱م. ۲- مباحثِ زناشویی. خانم، وظیفه ندارد در خانه کار کند یا ظرف بشوید. می تواند به مرد بگوید: غذا درست نمی کنم، از بیرون تهیه کن. البته اگر خانم ها، این کار را بکنند، مرد نیز می تواند مثلاً بگوید: من بایستی برای شما، سرپناهی مشخص کنم، پس سرپناهِ تو یک اتاقِ یک در یک است. غذا هم، نانِ خشک بخور. ما می گوئیم: هرکس، وظیفه اش را انجام دهد. در همه جا عدالت خوب است، جز در زندگی. در زندگی باید ایثار وجود داشته باشد. خداوند در قرآن می فرماید: «وَأَحْضِرِ الْأَنْفُسَ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا...» (نساء/۱۲۸). پیامِ این آیه این است که زندگی را دو چیز، شیرین می کند: ۱- توقع نداشتن ۲- تعهد داشتن. مرد تعهد دارد از صبح تا شب، کار کند و در سردی و گرمی، پولِ خوبی به خانه بیاورد. اما از همسرش توقع ندارد که اگر به خانه رفت، غذایی پخته باشد و یا خانه تمیز باشد. خانم نیز، از صبح در خانه تلاش و بچه داری می کند، اما از شوهرش توقع ندارد که نانِ خیلی خوبی بیاورد. اگر این دو با هم جمع شود، زندگی، علوی و فاطمی می شود.

چاپلوسی یا حسد و تکبر

آن راننده ی اتوبوس، وظیفه اش است، اما ما نیز وظیفه مان است که تشکر کنیم. مردم، گاهاً افراط و گاهی تفریط می کنند. یا اصلاً اهلِ تشکر نیستند و یا اهلِ چاپلوسی اند. اینقدر که در فرهنگِ بعضی ها، چاپلوسی وجود دارد! که در هیچ کجای دنیا وجود ندارد. مثلاً می گوید: آقا من نوکرتم، مخلصتم، خاکِ پایتم و ... معمولاً انسان، افراطِ در تشکر (چاپلوسی) را برای کسانی انجام می دهد که بعداً به آنها نیاز دارد. مثلاً می خواهد وام بگیرد، یا سربازی معاف شود. استادی که می خواهد به او نمره بدهد. ولی، در واقع، احساس تشکر نمی کند. اگر تشکر کمتر از حد بود، یا حسد است و یا تکبر. یعنی انسان بخاطرِ حسدش از دیگران تشکر نمی کند یا بخاطرِ اینکه خود را از دیگران بهتر می داند، تشکر نمی کند.

داستانک : در قرآن جریانی هست: جوانی (حضرتِ موسی علی نبینا و آله و علیه السلام)، از دستِ ستمگران، فرار کرده است و خسته، در کنارِ چاهِ مدین استراحت می کند. می بیند که دو دختر، همراهِ گوسفندانِشان در کناری ایستاده اند. جلو می رود و می پرسد: چرا ایستاده اید؟ می گویند: ما منتظریم تا نامحرمان بروند، بعد گوسفندانمان را آب دهیم. جوان، گوسفندان را آب می دهد (وظیفه اش را انجام می دهد و هرکس دیگری نیز بود، همین کار را می کرد). حالا، زمانی که دخترها به خانه برگشتند، پدرشان که حضرتِ شعیب علی نبینا و آله و علیه السلام است، می فرماید: چرا زود آمدید؟ می گویند: چون جوانی پیش آمد و گوسفندانمان را آب داد. حضرت، نمی گوید که وظیفه اش بود یا خدا خیرش بدهد، برایش دعا می کنیم، بلکه می گوید: دنبالِ جوان بروید و او را بیاورید، می خواهیم از او تشکر کنیم. حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام، وظیفه ی انسانی و پیامبری خود را انجام داد، اما حضرتِ شعیب علی نبینا و آله و علیه السلام نیز، به وظیفه ی خودش عمل می کند.

بگو: دوستت دارم

ابرازِ محبت یکی از مسائلی است که زندگی را شیرین می کند. تشکر یکی از مصادیق محبت کردن است. روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که می فرمایند: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»، سخن مرد به همسرش که بگوید: دوستت دارم، از قلب زن پاک نخواهد شد. مرد باید به همسرش بگوید دوستت دارم. اگر مرد به همسرش محبت نکند، با کوچکترین ابرازِ محبتی، زن به سمتِ دیگری می رود. مردی که در خانه به همسرش محبت می کند، این خانم، نیاز پیدا نمی کند که در خیابان، خودنمایی کند. معمولاً کسانی که با وضع خاصی به خیابان می آیند، در خانه شان، اشباع نشده اند. اگر پدر به دخترش، محبت کند، با اولین جمله ی یک مرد به او، از راه بدر نخواهد شد. ابرازِ علاقه و محبت و تشکر کردن، مسائلی هستند که زندگی را شیرین می کنند.

محبت به فرزندان

در موردِ ابرازِ علاقه، بوسیدنِ فرزند آمده است. در روایت داریم که شخصی نزدِ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آید و می گوید: من تا به حال، بچه ام را در آغوش نگرفته ام و بعد می رود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «اگر کسی می خواهد مردی را که در آتش است را ببیند، به او نظر کند». کسی که به فرزندش محبت نکند، فرزند به بی راهه کشیده خواهد شد. به طلبه ها عرض می کنم؛ ما به اندازه ای که برای دیگران وقت می گذاریم، آیا برای فرزندانمان نیز وقت گذاشته ایم؟

چرا فرزندانِ بعضی از مسئولین، ناخلف می شوند؟ دلیلش این است که آن مسئول، تمامِ وقتِ خود را صرفِ این کرده بود تا انقلاب، به جایی برسد و پیروز شود. شما سیره ی ائمه ی معصومین علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ببینید. محبتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فرزندان، حضرت زهرا سلام الله علیها، می کردند، چگونه بود! (فَدَاها أَبوها- پدرش فدایش شود). یا اینکه به امام حسن و امام حسین علیهما السلام، بسیار محبت می کردند. از این عجیب تر اینکه به کسانی که آن ها را دوست داشتند نیز محبت می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جایی عبور می کردند، به اصحابشان، فرمودند: بروید، من کار دارم. اصحاب، عرضه داشتند: چه شده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جلو آمدند و یکی از کودکان را در آغوش گرفتند و نوازش کرده و روی زانویشان نشانند. سپس رفتند. اصحاب، پرسیدند: این بچه ی چه کسی بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: او حسینِ مرا خیلی دوست داشت (دوستِ حسینِ من است).

هدیه، به هر بهانه

انسان باید برای فرزندانِ هدیه بخرد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هدیه بدهید تا یکدیگر را دوست داشته باشید. هدیه کینه ها را از بین می برد». برای همسران، هدیه بخرید. تولدِ همسرمان که می شود برای او شاخه گلی بخریم. چرا طوری شده است که اینگونه ابرازِ محبت ها، فقط برای دختر و پسرهای خیابان شده است. مثلاً می بینیم فلان روز، سالروزِ تولدِ همسرمان به قمری است پس برایش یک کادو بگیریم. انسان اگر سلیقه داشته باشد، خیلی کارها می تواند بکند. مثلاً

امشب می خواهد برای خانه، غذا یا چیزی بخرد، همان را به اسمِ هدیه بخرد و بگوید: آورده ام تا از همسرم تشکر کنم. (در کتابی به نامِ یک قرصِ آرامش بخش برای عروس و داماد، خاطراتِ دورانِ عقدِ زوج ها را نوشته است، آمده بود که مثلاً پودرِ ماشینِ لباسشویی را کادو می کرد و به همسرش می داد). یا سوغاتی خریدن برای کسانی که زیاد مسافرت و ماموریت می روند، حتی اگر کوچک باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: هر کس خانواده اش را شاد کند، خداوند از آن شادی، مخلوقی می آفریند که تا روزِ قیامت، برای او طلبِ آمرزش می کند. خانواده تان را به هر صورت که می توانید شاد کنید. چه با سوغاتی و هدیه یا با پیامک و تماس گرفتن.

ارزشِ خرید برای خانه

درباره ی خریدِ منزل، گاهی اوقات فکر می کنیم ثواب ندارد، همانطور که خانم ها فکر می کنند، کارِ در منزل ثواب ندارد. خواهرانِ بزرگوار، چه بسا خداوند شما را بخاطرِ عدس یا برنج پاک کردن، به بهشت ببرد اما امثالِ من را از میانِ آیات و روایات به جهنم ببرد. کار را باید برای خداوند انجام داد. امام سجاد علیه السلام می فرمایند: برای من به بازار رفتن و خریدِ یک درهم گوشت برای خانواده ام که میلِ به گوشت دارند، از بنده آزاد کردن، دوست داشتنی تر است.